

سُوْرَةُ الْجِنِّ بِكَيْفِيَّتِهَا هِيَ ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَفِيهَا ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ كَلِمَةً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحيم

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا

بگو شد وحی بمن آنکه شنیدند نفری چند از جن^۱ گفتند ما شنیدیم

قُرْآنًا عَجَبًا^۱ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَامْتَأْتُوا بِهِ طَوْلًا وَلَكِن شُرَكَاءُ بَرِيئِينَ

قرآن عجیبی* کند هدایت به راست، آوردیم ایمان برآن. و نکنیم شریک برب خود

(۱) جن: مخلوق از چشم پنهان. مثلاً جنین در رحم مادر. (سوره نجم: ۳۲) جنة، الجنة، جنه، جنان، جنن، جنون و غیره به "پنهان" ربط دارد

أَحَدًا ۞^٢ وَإِنَّهُ تَعَلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۞^٣

احدى * وآنکه عالی است شان رب ما، نکرده اتخاذ همسری و نه ولدی *

وَإِنَّكَ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۞^٤ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ

وآنکه همواره میگفت بیخردان ما بر الله (سخن) دروغ * و ما پنداشتیم که نمی

تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۞^٥ وَإِنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنْ

گوید انس و جن بر الله دروغی * و آنکه بودند رجال از

الْإِنْسُ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا^٦ وَأَنَّهُمْ

انس میبردند پناه به رجال از جن و افزود آنها را به سرکشی^۱ * و آنها اند که

ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنَّ لَنْ يَّبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا^٧ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ

پنداشتند چنانکه پنداشتید که نکند مبعوث الله احدی * و ما کردیم مس بسماء

فَوَجَدْنَاهَا مِائَتٌ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا^٨ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ

یافتیم آنرا پر از پاسبانان شدید و شهاب^۲ * و ما همواره می نشستیم

(۱) رهق : تجاوز، از حد گذشتن، سرکشی، ستم، بلوغ. (۲) شهاب: سنگهای آسمانی، ستاره های دمدار

مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شَهَابًا رَّصَدًا ۙ

در پایگاههای برای شنیدن. هر که بشنود الآن یابد بخود شهاب درترصد *

وَأَنَا لَأَنْدَرِي أَشْرًا رِيْدَ بِيَمِيْنِ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ

و ما نداریم ادراك آیا شر اراده دارد برآنکه در زمین است یا اراده دارد به آنها

رَبُّهُمْ رَشَدًا ۙ وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَادُونَ ذَلِكَ كُنَّا

رب آنها رشدی * و آنکه ازما اند صالحین و ازماست بدون آن. بودیم

طَرِيقَ قَدَدًا ۱۱ ۱ وَأَنَا ظَنُّنَا أَنَّ لَنْ تَعْجِزَ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ

بطرائق مختلف * و ما يقين داريم كه نتوان عاجز كرد الله را در زمين و نتوان

تَعْجِزُهُ هَرَبًا ۱۲ ۲ وَأَنَا لَبَّاسِمِعْنَا الْهُدَىٰ أَمْثَابِهِ ۳ فَمِنْ يَوْمٍ

عاجز کرد او را بفرار * و ما چون شنیدیم هدایت را ایمان آوردیم بر آن. هر که ایمان آورد

بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا ۳ وَلَا رَهَقًا ۴ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا

بر رب خود باز نکند خوف زيانی و نه ستمی * و آنکه از ما اند مسلمان و از ما اند

الْقَاسِطُونَ^{١٤} فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا^{١٤} وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ

ستمگاران. هر که شد تسلیم همانها گرفتند رشد را * و اما ستمگاران

فَكَانُوا لِلْجَهَنَّمَ حَطَبًا^{١٥} وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ

میباشند برای جهنم هیزمی * و اگر بکنند استقامت بر طریقت میکنیم سقایه آنها را

مَاءً عَدَقًا^{١٦} لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ^{١٦} وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ

آب فراوان * تا کنیم آزمایش آنها را بر آن. و هر که کند اعراض از ذکر رب خود میراند او را

عَذَابًا صَعَدًا ۱۷ ۝ وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۱۸

بعذاب دشوار * و آنکه مساجد است برای الله نکنید دعا با الله احدی *

وَأَنَّكُمْ لَبِئْسَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ بِأَيْدِيهِمْ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۱۹

و اینکه چون اقامه کرد عبد الله تا کند دعا بوی نزدیک بود بیاورند براو هجوم. *

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۲۰ ۝ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ

بگو فقط کنم دعا بر بزم و نکنم شریک با او احدی * بگو من نیستم مالک

لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿۲۱﴾ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ ۚ

بشما ضررى و نه رُشدى * بگو مرا ندهد نجات از الله احدى

وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿۲۲﴾ إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتٍ ۚ

و نه يابم بجز از او پناه گاهى * الا ابلاغى از الله و رسالات او.

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ۚ

و هر که کند عصيان از الله و رسول او يقيناً براى اوست آتش جهنم، خلد کند در آن

أَبَدًا^ط ۳۳ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ

برای ابد. * تا که ببیند آنچه میشوند وعده، باز میفهمند کیست ضعیف تر

نَاصِرًا وَاقلُّ عَدَدًا^ط ۳۴ قُلْ إِنْ أَدْرِيْ أَقْرَبُ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ

بنصرت و قلیل بعدد * بگو ندارم ادراك آیا قریب است آنچه میشوید وعده یا

يَجْعَلُ لَهُ رَبِّيَّ أَمَدًا^ط ۳۵ عِلْمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ

میسازد برایش ربم میعادى * عالم الغیب، نکند آگاه بر غیب خود

أَحَدًا^{۳۶} إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِنْ رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْنِ

احدى * الا آنراکه رضایت دارد از رسول، باز او میفرستد از پیش

يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ رَصَدًا^{۳۷} لِّيَعْلَمَ إِن قَدْ أبلغُوا رِسَالَتِ رَبِّهِمْ

روی او و از خلف او مترصدی^۱ * تا بداند که درست ابلاغ کردند رسالات رب خود را

وَاحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا^{۳۸}

واحاطه کرده آنچه نزد آنهاست و احصائیه کرده کُل شیئی را بعدد *

(۱) مترصد: مراقب، پیره دار، ناظر خفیه.